

سه‌شنبه • ۴ شهریور ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۰۹۷ • ۷	
روزنامه	
جهان	
بحران آب؛ ابعاد، ریشه‌ها و راه‌حل‌ها	صفحه ۸
کم‌آبی و صرفه‌جویی بی‌هدف	صفحه ۸
روایت عبدالله اسکندری از تست گریم رییس‌جمهور در «شاه‌گوشی»	صفحه ۱۰

نگاه
چشم‌انداز خروج افغانستان از بحران سیاسی اردشیر زاړعی قنواټی

بحران سیاسی افغانستان که بعد از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور به لحاظ تقلبات گسترده اتفاق افتاده بود، با میانجیگری «جان کری» وزیرخارجه آمریکا وتوافق دو کاندیدای رقیب حول یک برنامه تحقیق و تفتیش تملأ آرای به صندوق ریخته‌شده، فعلاً فروکش کرده است. سفر دو روزه کری به کابل و مذاکرات فشرده وی با «عبدالله عبدالله» و «اشرف غنی احمدزی» به‌عنوان دو طرف دعوی و همچنین دیدار با «حامد کرازی» و «بان کویش» فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان در این رابطه، بالاخره منجر به یک توافق جامع برای برون‌رفت از بحران شد. در این توافق مقرر شد تمام آرا زیر نظر ناظران سازمان ملل و نمایندگان ناظر دو کاندیدای حاضر مورد بازبینی قرار گرفته، هر دو طرف منازعه سیاسی به نتایج این بررسی‌ها گردن نهاده، تاریخ مراسم تحلیف تا موعد دوم آگوست تا پس از پایان بازبینی کامل آرا به تعویق افتاده و در نهایت با هر نتیجه‌ای که حاصل شود یک دولت «وحدت ملی» تشکیل شود. نکته مهم که در همان ابتدای کنفرانس مشترک مطبوعاتی کری در کنار عبدالله و احمدزی از سوی وزیر خارجه آمریکا بر آن تأکید شد اذعان به تقلب و تخلف در برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان بود که به‌واسطه پذیرش هر دو کاندیدا، نسبت به توافق حاصله و اظهارات کری، تا حدودی می‌تواند ادعاهای ساد عبدالله و تغییرات احتمالی به نفع وی را در فرجام کار رقم بزند.

ایسن کنفرانس مطبوعاتی که جان کری را در کنار عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی به همراه فرستاده ویژه سازمان ملل در پشت تریبون نشان می‌داد و غیبت حامد کرازی به‌عنوان رییس‌جمهوری را برجسته می‌کرد، گویای دوزدن و احتمالاً ناراضیانی او از این پرسوه توافقی بود. قبل از این کنفرانس نیز خبرهایی منتشر شده بود که نشان می‌داد در جریان دیدار کری و کرازی تنش لفظی شدیدی بین دو طرف اتفاق افتاده که عدم شرکت رییس‌جمهوری در این کنفرانس و همچنین تقاضای همه طرف‌های درگیر از وی برای تعویق مراسم تحلیف نشان‌دهنده این موضوع بود که در جریان توافق جاری، کرازی به حاشیه رانده شده است. از طرف دیگر پرسوه بازبینی تمامی آرای دور دوم زیر نظر ناظران سازمان ملل متحد با و ابتیادهای بین‌المللی حاکی از این واقعیت است که در این توافق از کمیسیون‌های انتخاباتی افغانستان نیز تا حدودی سلب اعتماد شده و نقش قانونی آنان در حاشیه قرار گرفته است که همین امر می‌تواند تأیید نظر عبدالله درخصوص اعمال نفوذ و تقلب انتخاباتی از سوی دولت کمیسیون برگزاری انتخابات تلقی شود. اینکه اشرف غنی احمدزی پذیرفته است خلاف اظهارات پیشین خود در مورد فصل الخطاب بودن نهادهای قانونی کشور به توافق کشد که این نهادهای را در حاشیه قرار می‌دهد و ناظران خارج را مسئول بازبینی می‌کند، دلیل دیگری است بر پذیرش تقلب و عبور از نهادهای ملی که متهّم به مشارکت در بروز تقلب بوده‌اند. با توجه به اینکه جان کری به‌صراحت از بروز تقلب و بازبینی آرا توسط یکنهاد بین‌المللی سخن می‌گوید و نحوه قرارگرفتن عبدالله در سمت راست وی و همچنین شروع اول بیان اظهارات مرد تاجیک نسبت به رقیب خود که هرچند با تعارف همراه بود اما در عرف دیپلماتیک معانی اولویت و تقدم گرینه را تداعی می‌کند، به نظر می‌رسد اینک کفه ترازو به‌سوی

عبدالله سنگینی می‌کند. آنچه هم‌اکنون در فضای سیاسی افغانستان اتفاق افتاده در فاز داخلی یک مشارکت سیاسی بین دو رقیب انتخاباتی حول یک تالانفرم فراملی جهت حفظ ثبات و اتحاد ملی کشور است و در فاز بین‌المللی تحمیل اراده قدرت الزرتان‌سوی جایگاه «متروپل» بر وضعیت «کلنی» که به جهت دفاع از «دستاوردهای پیشینی و جلوگیری از فروپاشی ساختار شکل داده‌شده است.

خروج افغانستان از بحران سیاسی پس از برگزاری دور دوم انتخابات با میانجیگری وزیر امورخارجه آمریکا به خوبی نشان می‌دهد کاخ سفید در هر زمانی که اراده کند تا منصفانه وارد دعاوی و اختلافات محلی به خصوص در مناطق شود که تأثیر تعیین‌کننده در آنجا دارد، می‌تواند بحران را به‌خوبی مدیریت کرده و بازیگران داخلی را به رعایت رهنمهای منطق سیاسی وادار کند. این واقعیت بیش از آنچه به اعتبار اخلاقی این کشور منوط باشد، ناشی از جایگاه تعیین‌کنندگی «قدرت» در «حوزه‌های نفوذ» است که به لحاظ درست‌داشتن ابزارهای لازم برای تأثیرگذاری بر منطقه بحران، بازیگران محلی را ملزم به پذیرش توافقات مرضی‌الطرفین خواهد کرد. به همین دلیل چنانچه همین رویه سه‌سازنده از سوی واشنگتن در اراده برای حل‌وفصل بحران‌های صلح خاورمیانه، عراق و اوکراین نیز اعمال شود به‌واسطه نفوذ تعیین‌کننده این کشور بر ساخت سیاسی حاکم بر این کشورها، می‌تواند به خلاف شرایط کنونی بستر مناسب جهت موقعیت مصالحه و توافق را نیز فراهم کند. اینکه بعد از چندسال شکست دولت اوپاما در حوزه سیاست خارجی این بار با یک سفر دو روزه کری به افغانستان دستاورد بزرگی برای دیپلماسی آمریکایی و اعتبار سیاسی این کشور رقم می‌خورد دقیقاً همین است که نتایج مثبتی را به همراه داشته است. هم‌اکنون افغانستان به قدرت برای تحمیل پذیرش راه‌حل مرضی‌الطرفین به طرفین ناشی از یک مرحله اساسی بحران سیاسی عبور کرده و چنانچه تمامی بازیگران داخلی و خارجی در این حوزه به مفاد توافقنامه کنونی پایبندی نشان دهند به یقین می‌توان امید داشت که از فروغلتیدن این کشور به درون سیاهچاله فاجعه جلوگیری می‌شود و شرایط لازم برای ادامه مسیر توسعه و ثبات این کشور حداقل برای یک دوره کوتاه فراهم می‌آید.

یادداشت
ثبات شکننده افغانستان و منافع ایران

سفر دوباره «جان کری» وزیرخارجه آمریکا به کابل برای حمایت فقرای شهرنشینی که به طور سنتی حامی حزب جمهوری خلق بودند نیز به سوی حزب رفاه جلب شود. ادامه چنین سیاست‌هایی سبب شد تا حزب عدالت و توسعه به قدرت برسد. اردوغان که در دوره شهرداری خود را «پیرو و ختمنگزار شریعت» خوانده بود در کسوت نخست‌وزیر در سال ۲۰۰۴ میلادی خواستار تصویب قانون مجازات جرم «زنای محصنه» شد. اما پس از مخالفت نمایندگان ناراضی، از تصمیم خود عقب‌نشینی کرد. با این حال، خط مشی محافظه کارانه او و حزبش نه‌تنها متوقف نشد که شدت بیشتری به خود گرفت. در سال ۲۰۰۸ میلادی، «اردوغان» اظهار کرد که زنان ترک بهتر است حداقل سه فرزند داشته باشند.

چند سال بعد وزارت آموزش ترکیه اعلام کرد که از آغاز سال تحصیلی ۱۴–۲۰۱۳ دختران دانش‌آموز ترکیه اجازه پوشیدن لباس‌های «تنگ» را نخواهند داشت و پسران نیز نمی‌توانند لباس‌های بدون آستین یا دارای علایم و نمادهای سیاسی را بر تن کنند. جالبه‌جایی قدرت از طبقه متوسط و مدرن و شهرنشین ترکیه به طبقه متوسط مذهبی طی یک دهه گذشته سبب ایجاد شکاف عمیق اجتماعی در آن کشور شده که بخشی از آن در اعتراضات پارک «گری» توسط جوانان نمود یافت و تلاوم آن روند اکنون در شبکه‌های اجتماعی از سوی زنان ترک دیده می‌شود. زنان شهرنشین ترکیه از سال ۱۹۳۴ میلادی حق انتخاب شغل، شرکت در انتخابات و نامزدشدن در آن را کسب کردند؛ حتی که در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و سوئیس سال‌ها بعد به زنان اعطا شد. قوانین مدنی ترکیه مدرن نیز بر برابری حقوق زن و مرد تأکید داشته‌اند. در نتیجه طبیعی است که زنان شهرنشین ترک در برابر رویکرد محافظه کارانه دولت عدالت و توسعه مقاومت می‌کنند. امروز زنان محبجه ترکیه به یمن قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه توانسته‌اند از فرصت‌های رابراب آموزشی و شغلی با دیگر زنان و مردان آن کشور برخوردار شوند. آنان با بهره‌گیری از تسهیلات فراهم‌شده با خودروهای گران‌قیمت رانندگی می‌کنند، به طراحان لباس طرح‌های مورد علاقه خود برای دوخت لباس را ارایه می‌کنند و به استخرهای تفکیک جنسیتی شده می‌روند. همه این مسایل نشان از برخورداری بیش‌تر آنان از آزادی در حوزه فردی و اجتماعی نسبت به گذشته دارند. با این حال، اعمال محدودیت از سوی دولت ترکیه بر زنانی که سبک زندگی دیگری را می‌پسندند سبب شده تا نییمی از جامعه آن کشور روبرواری دولت قرار گرفته و فضای جامعه بیش از پیش به سوی دوقطبی‌شدن گرایش کند.

به‌هرحال آنچه نباید می‌شد، شد و اکنون تنها راه برون‌رفت از وضع موجود در شرایط حساس این کشور همین مصالحه و توافق (فراتر از روندهای دموکراتیک) است که بین دو رقیب با میانجیگری جان کری انجام شده است. تجربه رخدادها و وقایعی که هم‌اکنون در عراق و سوریه می‌گذرد و مشابهت کامل آن با شرایط بی‌ثباتی، منازعات قومی- مذهبی و فساد بوروکراتیک حاکم بر ساختار قدرت در افغانستان، در کنار نقش «طالبان» و جنبش‌های تروریستی بنیادگرای چون «القاعده»، درس‌های آموزنده‌ای برای جناح‌های سیاسی افغان، همسایگان منطقه‌ای این کشور و جامعه بین‌المللی جهت اجتناب از تجارب شکست‌خورده قبلی دارد. در چنین شرایطی جان کری ضمن نقش میانجی‌گرانه‌ای که ایفا کرد، اشاره تلویمی هم به نزدیک‌شدن زمان نشست سران پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و امضای توافقنامه امنیتی با افغانستان می‌کند.

توصیر کنونی عراق و هجوم دولت اسلامی (داعش) به این کشور که هم‌اکنون ثبات و یکپارچگی آن و حتی وضعیت اقلیم کردستان را مورد تهدید جدی قرار داده و جدا از مصائب فراوان و نسل‌کشی اقلیت‌های مسیحی و ایزدی حتی تهدیدی برای کشورهای همسایه همچون ایران نیز هست، معادلات جدیدی را رقم زده که در چارچوب حفظ منافع ملی باید مورد تأمل جدی قرار گیرد. در حوزه سیاست خارجی به همان نسبت که ارتباطی از گرانیک میان اهداف استراتژیک و تاکتیک وجود دارد، سیاست خارجی به همان نسبت که میدان بازی در جغرافیای خاورمیانه به‌خوبی همسایگان ایران یک وضعیت درهم تنیده است که هر کش سیاسی- امنیتی بدون شک بر امنیت ملی کشور ثالث از جمله ایران تأثیر خاصی خواهد گذاشت.

ادامه در صفحه ۱۵



اردوغان و شرکا پیروز عرصه سیاسی؛ ناکام حوزه اجتماعی

«اچه تملکوران» نویسنده و مفسر سیاسی در انتقاد از اظهارات اخیر «آرینج»

آن را حرف‌هایی «زشت» و پششدت «محافظه کارانه» خوانده بود. به‌کاربردن لفظ «محافظه کارانه» برای خط‌مشی دولت اردوغان و رویکرد اطرافیان او نه صرفاً ادعایی سیاسی بلکه واقعیتی عینی در طول یک‌دهه گذشته بوده است. بنیانگذاران حزب عدالت و توسعه در اساسنامه از آن حزب با عنوان یک جریان «محافظه‌کار دموکراتیک» همانند حزب دموکرات‌مسیحی آلمان یاد کرده‌اند. محافظه‌کاری حزب عدالت و توسعه قرابت بسیاری با محافظه‌کاری قرن هجدهمی اروپایی دارد: مخالف مدرنیزاسیون غربی است، هر گونه اقدام رادیکال تحول‌خواهانه‌ای را با برچسب «آنارشسیم» م‌ذمو می‌شمارد، بر لزوم حفظ ارزش‌های سنتی و حضور دایمی مذهب در عرصه اجتماعی تأکید دارد، ذات انسان‌ها را ناقص و متمایل به بدی می‌داند و در نتیجه موافق اعمال محدودیت بر اعمال آنهاست و در نهایت آنکه اقتدار گرایي را سنتی اجتماعی می‌داند که نه‌تنها نادرست نیست بلکه از این دیدگاه حاکم سیاسی همچون پدر یک خانواده وظیفه امر و نهی و تعیین تکلیف برای اعضای جامعه را حتی در حوزه فردی و سپهر خصوصی نیز برعهده دارد. ظهور محافظه‌کاری در عرصه سیاسی ترکیه به پیش از دوران به قدرت‌رسیدن حزب عدالت و توسعه بازمی‌گردد. در سال ۱۹۸۳، «تور گوت اوزال» نخست‌وزیر وقت ترکیه و رهبر حزب «امام وطن» در انتخابات به پیروزی رسید. او پس از کسب قدرت اجرایی، پیشینه‌هایی را مبنی بر تدریس زبان عربی در مدارس، مبارزه با «توهین‌کنندگان به مقدسات مردم» و محدود کردن فروش مشروبات الکلی ارایه کرد. از آن زمان چالش اسلامگرایان با طیف لاییک در عرصه سیاسی ترکیه به طور جدی آغاز شد.

اسلامگرایان ترکیه که در دهه‌های پیشین در جریان اصلاحات مدرن «آتاتورک» به حاشیه رانده شده بودند پس از برقراری نظام چندحزبی در آن کشور در سال ۱۹۴۶ میلادی توانستند از حاشیه به متن سیاست ترکیه وارد شوند. اسلامگرایان ترک به تدریج نمایندگان خود را راهی پارلمان کردند. قدرت‌گیری روستائیشینان سبب ایجاد طبقه متوسط مذهبی جدیدی تحت عنوان «بورژوازی آناتولی» شد. این طبقه بر ظهور دارای ریشه‌های عمیق مذهبی، هوادار اقتصاد بازار آزاد تئولوبرالی و آزادی انجام فرایض دینی بود. در دهه ۲۰۰۰ میلادی حزب رفاه ادامه جریان اسلامگرا در عرصه سیاسی بود. «اریکان» رهبر حزب تحت‌تأثیر «اسید قطب» متفکر بنیادگرای مصری معتقد بود که روشنفکران روستایی برای بازپس‌گیری قدرت از نخیکان شهری باید

بحران عراق و نقش کلیدی ایران

پیش مشخص بود که حمایت همه‌جانبه جمهوری اسلامی از دولت نوری‌الملکی سیاست صحیحی نیست. این مسالهای بود که حجت‌الاسلام رسول جعفریان در روزهای اخیر بر آن انگشت گذاشت. حجت‌الاسلام جعفریان که علاوه بر موقعیت والای خود به‌عنوان پژوهشگر خبره تاریخ ایران، تشیع و اسلام در امور عراق هم کارشناسی دقیق و نکته‌بین است، وی در مصاحبه خود با خبر آنلاین ضمن بررسی ابعاد مختلف بحران عراق به درستی به غفلت جمهوری اسلامی از بن‌بست سیاسی دولت نوری‌الملکی اشاره کردند: سفارت ما که باید گزارش جدی و واقعی می‌داد گرفتار نوعی نارسایی اطلاعات شد. چون آدم‌های زیربن از یک ست سال قبل اعلام می‌کردند که موصل از دست رفته است، ولی کسی گوش به حرف اینها نمی‌داد… از نظر من همه اینها نشان داد ما دچار ضعف اطلاعاتی بودیم. البته نمی‌گویم اگر این اطلاعات را داشتند، می‌توانستند چاره‌ای بیندیشند، اما به هر حال مشکل جدی است. فکر می‌کنم ما نباید در این دوسال اخیر به دولت وقت بیش از اندازه اعتماد می‌کردیم، چون فساد این دولت جدی بود.

اظهارات علنی جعفریان، رییس شورایعالی امنیت ملی در حمایت از دولت حیدر العبادی، بعد از یک روز سکوت نگران‌کننده مقامات ایرانی، راه را برای پایان بحران بغداد هموار کرد. جمهوری اسلامی در راستای ادامه این روند مثبت ابتدا باید تلاش خود را بر پایان‌دادن کامل بحران سیاسی بغداد متمرکز کند. نوری‌الملکی می‌تواند با شگردهای خاص خود دولت جدید عراق را دچار بحران کند و ادامه حضور او در عرصه سیاسی عراق همچنان مانعی در راه حصول تفاهم ملی در عراق است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تضمین امنیت نوری‌الملکی، خروج او از عرصه سیاسی عراق را تسهیل کند، همان‌طور که این نقش را در موقعیت بحران مشابهی درباره مقتدی

مهیا شد، اما نوری‌الملکی عملاً مانع مهم رسیدن به این

توافق بود و هفته‌ها دستیابی به توافق را به تأخیر انداخت و متأسفانه هنوز هم حمایت همه‌جانبه‌ای از تحولات اخیر به‌عمل نیآورده است.

حتی پیش از آغاز بحران اخیر مشخص بود که دولت و شخص نوری‌الملکی نه‌تنها از حل مشکلات بنیادین عراق باز مانده بلکه فساد، بی‌لباقتی و سیاست‌های خصمانه دولت وی علیه اهل‌سنت، ثبات و آرامش عراق را غیرممکن و تنش‌های قومی-قبیله‌ای را به نقطه انفجار رسانده است. ناراضیانی و خصومت اهل‌سنت با دولت مالکی، ناخواسته نقش مهمی در پیروزی‌های برق‌آسای داعش داشته است. دولت نوری‌الملکی در طول دوماه گذشته نشان داد قادر به مدیریت بحران کنونی نیست و برای رهبری عراق در چنین شرایط خطیری درمانده است. در حالی که اضمحلال واحدهای ارتش عراق در استان‌های شمالی و واگذاری این مناطق کلیدی با حداقل مقاومت به داعش، دولت مرکزی و کشور عراق را در معرض فروپاشی قرار داده بود، تمام هم‌وهم مالکی متوجه حفظ مقام خود بود. خودپرستی نوری‌الملکی در چنین هنگامه‌ای شاهد بارزی از عدم شایستگی وی برای نخست‌وزیری عراق بود. مالکی تقاضاهای مختلف درباره لزوم کناره‌گیری را رد کرد و حتی درخواست صریح آیت‌الله العظمی سیستانی را برای کناره‌گیری پشت گوش انداخت. بالاخره زمانی که برخی از متحدان سابق و هم‌حزبی‌های خود وی از حزب‌الدعوه و گروه‌های مختلف دیگر در مجلس عراق عملاً بر وی شوریدند و دست‌اندر کار تشکیل دولت جدید شدند، نوری‌الملکی با فرستادن نیروهای نظامی و شبه‌نظامی طرفدار خود به خیابان‌های بغداد، عراق را به پرتگاه سقوط کامل سوق داد.

از زمان آغاز این بحران، رویکرد جمهوری اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین حامی دولت نوری‌الملکی ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده بود. برای ناظران واقع‌گرا از مدت‌ها

نوژن اعتضادالسلطنه: برد در دو انتخابات متوالی به فاصله چندماه شاید برای نخست‌وزیر اسلامگرای کنونی ترکیه که به‌زودی رییس «جمهوری لاییک» آن خواهد شد، نتیجه‌ای غرورآفرین باشد. او اینک توانسته قیای تضعیف‌شده امروز حزب عدالت و توسعه یعنی احزاب «جمهوری خلق» جریان اصلی اپوزیسیون ترکیه، نماینده کمالیسم و مدافع لایسیسته و همچنین حزب ملی‌گرای افراطی «حرکت ملی» را شکست دهد؛ احزابی که روزگاری به‌عنوان نمادهای ایدئولوژی اصلی حاکم بر ترکیه (کمالیسم و ناسیونالیسم ترکی) سکندار هدایت اقتصاد و سیاست ترکیه بودند.

با وجود این، فراتر از عرصه رقابت‌های سیاسی، در حوزه اجتماعی امروز ترکیه تضاد اجتماعی عمیقی میان خواست‌های بخش شهرنشین و مدرن ترکیه با آمال مقامات حزب عدالت و توسعه دیده می‌شود. عید فطر گذشته، «پولنت آرینج» معاون «اردوغان» در جریان یک سخنرانی گفته بود که خندیدن زنان در ملاعام اقدامی «ناپسند» است. او همچنین از مکالمات تلفنی زیاد زنان ترک و رانندگی‌های غیرضروری، آنان نیز گلایه کرده بود. همین اظهارات کافی بود تا در شبکه‌های اجتماعی کارزاری همگانی از سوی بخش وسیعی از زنان ترک آغاز شود. در سایت «تویتر» زنان معترض با ایجاد هشتگ «خنده مقاومت» عکس‌های خود در حال خندیدن را منتشر کردند. توضیحات «آرینج» درباره اظهاراتش و بیان این نکته که منظور او لزوم حفظ «پاکدمنی» نه‌تنها از سوی زنان و دختران که از جانب پسران و مردان نیز بوده نیز توانست از شدت خشم زنان معترض بکاهد.

«پلیس نازلیاکا، نماینده حزب «جمهوری خلق» در پارلمان ترکیه در اعتراض به اظهارات معاون «اردوغان» گفت: می‌خواهم کفش‌هایم را دربیارم و به سمت شما (نمایندگان حزب عدالت و توسعه) پرتاب کنم. اما وقتی به شما نگاه می‌کنم می‌بینم ارزش آن را ندارید، اعتراض او به حاکمیت تفکر مردسالارانه و سنتی بر ذهنیت زامدداران کنونی ترکیه بود. اقدام این نماینده زن پارلمان ترک نقطه‌تعه‌عطلی برای آغاز موج دوم اعتراض زنان آن کشور در شبکه‌های اجتماعی بود. این بار انتشار تصاویر کفش‌های پاشنه‌بلند زانه به‌عنوان سلاحی علیه اقتدارگرایی مدرانه مقام‌های ارشد دولت ترکیه. زنان معترض ترک همراه با انتشار عکس‌های کفش‌هایشان نوشتند: «کفش‌های پاشنه‌بلند در حال آمدن هستند. این کفش‌ها می‌توانند همانند باتوم‌های پلیس‌ها آسیب‌رسان باشند. این کفش‌ها به‌سوی دهان و پیشانی «اردوغان» و «آرینج» روانه می‌شوند».

احسان عیدم‌تبریزی
دانشجوی دوره دکتری
دانشگاه دورهام

بعد از هفته‌ها پی‌شوری برق‌آسا و وحشیانه نیروهای

بعد از بیش از دوماه آشفتگی فاجعه‌بار در عراق بمنظر می‌رسد زمینه برای عبور از بحران کنونی، پایان‌دان به فاجعه انسانی شمال عراق و شکست داعش به کندی در حال فراهم‌شدن است. آمریکا و دول غربی بعد از ماه‌ها تمل، سیل کمک‌های نظامی خود را در قالب کمک‌های هوایی و نیروهای ویژه به عراق ارسال کرده‌اند. همچنین باوجود تملل مداوم نوری‌الملکی، خطر جنگ خیابانی در بغداد برطرف شده و دولت جدید عراق می‌تواند وظیفه خنلیر و بسیار دشوار خود برای سازمان‌دادن مجدد قوای مسلح و رسیدن به تفاهم ملی را آغاز کند. در این میان، حمایت جمهوری اسلامی ایران از نخست‌وزیر جدید عراق عامل اصلی و کلیدی پایان بحران سیاسی- امنیتی بغداد است. تلاوم این حمایت اقدامی خردمندانه برای حفظ موجودیت عراق و در راستای امنیت و منافع ملی ایران است و تضادهای ایران با آمریکا و غرب بر سر مساله هسته‌ای نباید مانع از ادامه این خردورزی و همکاری مشترک با دول غربی علیه آدمخواران داعش شود.

بعد از هفته‌ها پی‌شوری برق‌آسا و وحشیانه نیروهای داعش و سردرگمی و آشفتگی دولت مرکزی بغداد، فعل‌واقعات سیاسی کند اما مثبت در اوایل مردادماه این امید را به وجود آورد که بازیگران مختلف صحنه قدرت در عراق در حال بازسازی پشت جبهه و همکاری جهت دفاع مشترک هستند. اظهارات جلال طالبانی درباره لزوم حفظ یکپارچگی عراق، انتصاب رییس جدید سنی مذهب مجلس و رییس‌جمهور جدید کرد عراق همه نشان از این داشت که نه‌تنها سیاستمداران کرد بلکه بخش مهمی از سنییان عراق- حداقل در حال حاضر و در شرایط فعلی- نه به‌دنبال تجزیه عراق هستند و نه حاضر به همکاری با تحمل موجودیت خون‌آشامی به نام دولت اسلامی عراق هستند. شرایط برای رسیدن به ائتلافی همه‌جانبه